

«جهت‌شدگی» در فارسی: مطالعه موردی «طبیعت‌واژه‌ها» بر اساس دستوری‌شدگی

شکوفه جعفری^۱، شادی داوری^{۲*}، رویا صدیق ضیابری^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۳. استادیار زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰

دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱

Directionization in Persian: A Case Study of Landmark Terms Based on Grammaticalization

Shokoofe Jafari¹, Shadi Davari^{2*}, Roya Sedigh Ziyabari³

1. PhD Candidate in General Linguistics, Department of Linguistics, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran

2. PhD in General linguistics, Tehran Medical Science University

3. Assistant Professor of General Linguistics, Department of Linguistics, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran

Received: 2020/07/11

Accepted: 2021/02/08

Abstract

Language encodes abstract concepts like points of spatial orientations including above, down, back and the like by means of such concrete domains as organ words, nature words, and some verbs. In this research, the process of changing these objective sources into spatial orientation is called directionization. Directionization of lexical sources which refers to concrete examples in nature and are considered part of socio-cultural geography, or in other words, related to human culture and social life in relation to the earth, are used for further understanding and, to encode relative, principal, and metaphorical directions through metaphorical expansion. The present study investigates directionization in Persian based on Heine's (1997) approach, and Davari and Naghzgouy Kohan's (2017; 2017) model was used to determine the dimensions of directionization, or the extent of semantic, morpho-syntactic and phonetic changes of sources. The data were collected from poetry and prose books, proverbs, novels, newspapers and websites. The time span includes Old, Middle and Modern Persian. Results indicate that Persian uses landmark terms such as sky, air, roof and alike for expressing geographical, relative and metaphorical directions, and the mentioned lexical sources have finally suffered a second degree of grammaticalization.

Keywords: Orientation terms, Landmark terms, Cultural /Social geography, Grammaticalization, Directionization, Persian, Sociolinguistics.

چکیده

زبان با استفاده از منابع عینی مانند اندام‌واژه‌ها، طبیعت‌واژه‌ها و برخی افعال مفاهیم جهت‌ی مانند بالا، پایین، شمال، جنوب و جز آن را، که مفاهیمی انتزاعی هستند، رمزگذاری می‌کند. زبان با استفاده از منابع عینی مانند اندام‌واژه‌ها، طبیعت‌واژه‌ها و برخی افعال-مفاهیم جهت‌ی -مانند بالا، پایین، شمال، جنوب و امثالهم که مفاهیمی انتزاعی هستند- را رمزگذاری می‌کند. در این پژوهش، فرآیند تحول منابع واژگانی به واژه‌هایی که بر مفاهیم جهت‌ی دلالت دارند، جهت‌شدگی نامیده می‌شود. در جهت‌شدگی منابع واژگانی که بر مصداق‌های عینی در طبیعت دلالت دارند و جزئی از جغرافیای فرهنگی-اجتماعی قلمداد می‌شوند، یعنی به فرهنگ و زندگی اجتماعی بشر در رابطه با زمین مربوط می‌شوند، برای درک بیشتر و از رهگذر بسط استعاری برای رمزگذاری جهت‌های نسبی، اصلی و استعاری به کار می‌روند. پژوهش حاضر به بررسی جهت‌شدگی در فارسی بر اساس رویکرد هاینه (۱۹۹۷) پرداخته‌است. و برای تعیین ابعاد جهت‌شدگی، یا تعیین میزان تحولات معنایی، تصریفی-نحوی و آوایی منابع از انگاره داوری و نغزگوی کهن (۱۳۹۶؛ ۲۰۱۷) بهره جسته‌است. در این پژوهش از کتب نظم و نثر، ضرب المثل، رمان، روزنامه و تارنماها برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده‌است. بازه زمانی داده‌ها شامل دوره باستان، میانه تا فارسی امروز است. نتایج نشان می‌دهد زبان فارسی در دوره‌های مختلف از طبیعت‌واژه‌های آسمان، هوا، بام و جزآن برای بیان جهت‌های اصلی، نسبی و استعاری استفاده کرده و منابع واژگانی مذکور، نهایتاً متحمل درجه دوم دستوری‌شدگی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جهت‌واژه، طبیعت‌واژه، جغرافیای فرهنگی-اجتماعی، دستوری‌شدگی، جهت‌شدگی، فارسی، زبان‌شناسی اجتماعی.

مقدمه

ساختار زبان محصول تعامل ما با دنیای اطرافمان است. راهی که گفتمان را می‌سازیم و مقوله‌های زبان‌شناختی ایجاد می‌کنیم، از تجارب محیطی ما تأثیر می‌پذیرد. مهم‌ترین نقش زبان برقراری ارتباط موفقیت‌آمیز است. مردم از زبان برای برآورده شدن مقاصد ارتباطی استفاده می‌کنند. در فضای برقراری ارتباط، دغدغه مردم بیش از آنکه نحو و آوای به خدمت گرفته باشد، رمزگذاری مفهوم مورد نظرشان است (هاینه، ۱۹۹۷: ۳).

در این راستا، یکی از ساز و کارهای ارتباطی رایج، بیان برخی مفاهیم، به عنوان عناصر مقصد، از رهگذر مفاهیمی دیگر به عنوان عناصر مبدأ است. این سازوکار، که از قوه شناخت بشر منشأ می‌گیرد، «استعاره مفهومی»^۱ نام دارد. بر اساس این سازوکار، مفاهیم ملموس به عنوان عناصر مبدأ برای بیان مفاهیم انتزاعی مقصد به کار گرفته می‌شوند. مفاهیم عینی مفاهیمی برآمده از تجارب بشری هستند که به سهولت درک می‌شوند و در بیان موجودیت‌های انتزاعی به خدمت گرفته می‌شوند تا مفاهیم کمتر تجربی از رهگذر تجربیات ملموس مفهوم‌سازی شوند.

اگرچه ساز و کار شناختی «استعاره مفهومی» نخستین بار از سوی لیکاف^۲ و جانسون^۳ (۱۹۸۰) در حوزه واحدهای واژگانی ارائه گردید، اما یازده سال بعد، از سوی هاینه، کلودی^۴ و هانمیر^۵ (۱۹۹۱) در رویکرد دستوری‌شدگی^۶، به عنوان یکی از دو سازوکار عمده تحول واحدهای واژگانی به دستوری مورد استفاده قرار گرفت. هاینه که از پژوهشگران دستوری‌شدگی است، در استدلال‌اتش برای پیدایش واحدهای دستوری از مفهوم استعاره بهره جسته است.

دسته مهمی از این واحدهای دستوری ساخت‌هایی هستند که بر جهت‌های اصلی^۷ مانند شمال، جنوب، شرق و غرب، جهت‌های نسبی^۸ از جمله بالا و پایین، دور و نزدیک و نیز جهت‌های استعاری^۹ یعنی مفاهیمی که به لحاظ استعاری به جهتی در فضا اشاره دارند (مانند استعاره «هرچه خوب است در بالاست») دلالت می‌کنند.^{۱۰}

هاینه (۱۹۹۷: ۳۸) بر آن است که گویشوران برای ایجاد صورت‌های زبانی که بر جهت‌های فضایی دلالت دارند، این حوزه انتزاعی را بر اساس حوزه‌های عینی از جمله طبیعت‌واژه‌ها^{۱۱}، اندام‌واژه‌ها^{۱۲} و برخی افعال، از رهگذر نگاشت مفاهیم طرحواره‌ای از حوزه مبدأ به مقصد مفهوم‌سازی می‌کنند.

در این مسیر، منابع واژگانی مزبور، به منظور بیان مفاهیم جهتی، دستوری می‌شوند و دیگر بر مفاهیم اصلی خود دلالت نمی‌کنند. از آنجا که غایت این فرآیند، بیان مفهوم «جهت»^{۱۳} است، آن را در پژوهش حاضر، «جهت‌شدگی»^{۱۴} نامیده‌ایم.

در این پژوهش برآنیم تا در چارچوب رویکرد دستوری‌شدگی هاینه (۱۹۹۷) که بر تغییرات در زمانی در راستای پیدایش صورت‌های دستوری بر اساس فرآیندهای شناختی از جمله استعاره مفهومی تکیه دارد، فرآیند «جهت‌شدگی» را در فارسی بررسی کنیم. در رویکرد هاینه (۱۹۹۷)، یکی از منابع خلق ابزارهای جهتی، طبیعت‌واژه‌ها معرفی شده‌است. بر این اساس، پژوهش حاضر در تلاش برای ارائه پاسخ به این پرسش است که گویشوران فارسی کدام «طبیعت‌واژه‌ها» را «به‌طور قراردادی»^{۱۵} در بیان مفاهیم «جهتی» به کار می‌برند؟

این پرسش اولیه، پرسش دومی را نیز مطرح می‌کند؛ در راستای «جهت‌شدگی»، طبیعت‌واژه‌های فارسی متحمل چه تغییرات صوری و معنایی می‌شوند؟

در جهت نیل به مقصود، داده‌های فراوانی به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و طبیعت‌واژه‌هایی که مفاهیم «جهتی» را رمزگذاری می‌کردند، استخراج گردیدند.

برای پاسخ‌گویی به پرسش دوم از رویکرد «ابعاد معین‌شدگی»^{۱۶} (داوری و نغزگوی کهن، ۱۳۹۶ و ۲۰۱۷) بهره جستیم و بر اساس ابعادی که ایشان برای پیدایش افعال معین‌الزامی دانسته‌اند، ابعاد «جهت‌شدگی» را که بر جنبه‌های تحول صوری و معنایی «طبیعت‌واژه‌ها» به «جهت‌واژه‌ها» تمرکز دارند، ارائه دادیم.

موضوع پیدایش جهت‌واژه‌ها از رهگذر دستوری‌شدگی در

11. landmarks
12. body-parts
13. orientatipn
14. directionization

۱۵. منظور از «قراردادی» وضعیتی است که گویشوران به مفهوم جهتی «طبیعت‌واژه» دسترسی دارند یا بی‌واسطه مفهوم را درک می‌کنند.

16. auxiliiation dimentionns

1. conceptual metaphor
2. G. Lakoff
3. M. Johnson
4. U. Claudi
5. F. Hunnemeyer
6. grammaticalization
7. cardinal Geographical directions
8. relative directions
9. metaphorical directions

۱۰. تقسیم‌بندی جهت‌ها به اصلی، نسبی و استعاری در رویکرد هاینه نبوده و از سوی نگارندگان ارائه شده‌است.

بر طبیعت‌واژه‌ها از اندام‌واژه‌ها و افعال پویا نیز سخن به میان آورده‌است (۱۹۹۷: ۳۸). اما از آنجا که موضوع پژوهش حاضر، تحول طبیعت‌واژه‌ها به جهت‌واژه‌ها است، تنها به همین منبع واژگانی خواهیم پرداخت.

علاوه بر اندام‌واژه‌ها، پدیده‌های طبیعی نیز برای مفهوم‌سازی جهت‌های مکانی به‌کار می‌روند؛ مواردی از جمله آسمان، زمین، کوه و جز آن. در این نوع مفهوم‌سازی حرکت از حوزه عینی طبیعت به حوزه انتزاعی مکان انجام می‌شود و گویشوران به وسیله درک تجربیات طبیعی و در نتیجه بسط استعاری حاصل از این تجربیات، مفاهیم انتزاعی جهت‌های مکانی را درک می‌کنند. به عنوان نمونه انسان با تجربیاتی که از محیط پیرامون خود دارد می‌تواند با درک حوزه ملموس و عینی آسمان از حوزه عینی مبدأ به درک حوزه انتزاعی مقصد، که همان مفهوم بالا است، نائل گردد (هاینه، ۱۹۹۷: ۳۹). در جدول (۱) جهت‌های برگرفته از طبیعت را مشاهده می‌کنیم که در زبان‌های دنیا کاربرد داشته‌اند.

جدول ۱. نقاط ثابت محیطی که خاستگاه جهت‌های مکانی بوده‌اند (اسورو، ۱۹۹۴: ۸۰)

مفهوم مقصد	مفهوم مبدأ
بالا	آسمان، عرش، قله
پائین	زمین، خاک
جلو	زمین، درگاه
پشت	رد، جای پا
در	خانه، ساحل، خشکی
بیرون	زمین (مزرعه)، درگاه

به نظر می‌رسد که به لحاظ رده‌شناسی، الگوهای مفهوم‌سازی انسان بر اساس پدیده‌های موجود در طبیعت جهانی هستند. نمونه‌های بسیاری نشان می‌دهند الگوی مفهوم‌سازی انسان مانند ساختاری که زبان را شکل می‌دهد، به شکل یکسانی در فرهنگ‌ها وجود ندارد؛ به بیان دیگر، هم تنوع و هم یکپارچگی وجود دارد. گونه انسان، بدون توجه به اینکه در سبیری یا کالاهاری سکونت داشته باشد، اساساً از گزینه‌های مفهوم‌سازی مشابهی استفاده می‌کند (هاینه، ۱۹۹۷: ۱۴).

هاینه (۱۹۹۷: ۳۷) به معرفی کامل تقسیم بندی جهت‌ها به نسبی و جغرافیایی نیز پرداخته است. لازم به ذکر است، در رویکرد هاینه (۱۹۹۷) تنها، طبیعت‌واژه‌هایی در راستای بیان

فارسی تنها در مقاله عبیدی و نغزگوی کهن (۱۳۹۸) ارائه شده‌است، که در آن روش‌های مکان‌یابی از منظر شناختی و بر اساس الگوی هاینه (۱۹۹۷)، یعنی بررسی اندام‌واژه‌ها، طبیعت‌واژه‌ها و افعال پویا، ارائه می‌شود. نتایج نشان می‌دهند که زبان فارسی به ترتیب اولویت از اندام‌واژه‌ها، طبیعت‌واژه‌ها و افعال پویا، از جمله افعال پیشوندی همچون «برآمدن»، «فرآمدن» و جز آن، برای بیان مکان جغرافیایی استفاده می‌کند.

چارچوب نظری

دستوری‌شدگی فرآیندی است که از رهگذر آن منابع واژگانی، که برای زبانوران ملموسند، برای رمزگذاری معانی انتزاعی دستوری به خدمت گرفته می‌شوند. منابع واژگانی مذکور در این مسیر از معانی مصداقی خود تهی شده^۱، مقوله دستوری خود را از دست می‌دهند^۲ (چون ویژگی‌های تصریفی مقوله را دیگر نشان نمی‌دهند) و ممکن است دست‌خوش کاهش یا سایش آوایی نیز بشوند^۳ (هاپر^۴ و تراگو^۵، ۲۰۰۳: ۱-۲).

حوزه‌های عینی در دستوری‌شدگی معمولاً طبیعت‌واژه‌ها، برخی افعال و اندام‌واژه‌ها هستند. آنچه باعث می‌شود این عناصر وارد فرآیند دستوری شدن شوند، این است که مفاهیم پایه نقاط ارجاع عینی را برای شناخت انسان فراهم می‌کنند؛ بنابراین می‌توانند برای درک مفاهیم انتزاعی به کار روند. با وجود این، مشاهده می‌شود عناصر واژگانی به‌کاررفته برای توصیف مفاهیم عینی به‌محض آنکه رابطه‌ای قاعده‌مند با مفاهیم انتزاعی پیدا می‌کنند، ویژگی‌های اولیه خود را از دست داده و به صورت‌های دستوری بدل می‌شوند. به عبارتی، عناصر واژگانی مزبور که ابتدا به طبقه باز واژگانی تعلق داشته‌اند، به عناصر طبقه بسته تبدیل می‌شوند (هاینه، ۱۹۹۷: ۳۶).

یکی از تظاهرات فرآیند دستوری‌شدگی که از سوی هاینه (۱۹۹۷) به‌طور نظام‌مند صورت‌بندی گردید، دستوری‌شدگی طبیعت‌واژه‌ها در راستای بیان مفاهیم جهتی است. چارچوب پژوهش، در گام اول، برای شناسایی پیدایش جهت‌واژه‌ها از طبیعت‌واژه‌ها، چارچوب دستوری‌شدگی است که از سوی هاینه (۱۹۹۷) به کار گرفته شده است؛ البته علاوه

1. semantic bleaching
2. decategorialization or morphological reduction
3. phonetic erosion
4. P. Hopper
5. E. Traugott

روش‌شناسی

در پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مشاهده، ابتدا برخی از متون منشور و منظوم، شامل کتب رمان، فرهنگ، ضرب‌المثل، دیوان و... به طور تصادفی جستجو شدند و همچنین جستجو در تارنماها و موتور گوگل نیز انجام شد. همه بخش‌های کتب مورد مطالعه به منظور استخراج طبیعت‌واژه‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. بازه زمانی داده‌ها شامل دوره باستان، میانه تا فارسی امروز است. داده‌های پژوهش از این جهت هم از منابع کهن فارسی و هم از منابع مکتوب به روز جمع‌آوری شده‌اند که بتوانند قدمت فرآیند جهت‌شدگی را به نمایش بگذارند.

از آنجا که هدف پژوهش حاضر کشف طبیعت‌واژه‌هایی بود که دیگر نقش ارجاعی برای اشاره به پدیده‌های طبیعی نداشتند و کاربرد آنها رمزگذاری مفاهیم جهت‌ی بود، لذا طبیعت‌واژه‌هایی که به نظر می‌رسید به جهت‌واژه تبدیل شده‌بودند، استخراج و در جداول مخصوص ثبت شدند.

نمونه‌ها جملات دارای طبیعت‌واژه هستند که مفاهیم جهت‌ی مختلف را رمزگذاری می‌کنند. پس از مطالعه حدود ۳۵۰۰ صفحه کتاب، ۱۴۶ جمله حاوی طبیعت‌واژه در مفهوم جهت‌واژه استخراج گردید که به علت محدودیت فضا ۶۳ شاهد را ارائه دادیم و از این میان، در مجموع ۴۶ جهت‌واژه استخراج گردید.

در گام بعد به اثبات دستوری‌شدگی این منابع واژگانی پرداختیم. برای تعیین ابعاد جهت‌شدگی طبیعت‌واژه‌ها، از رویکرد «ابعاد معین‌شدگی» (داوری و نغزگوی کهن، ۱۳۹۶ و ۲۰۱۷) بهره جستیم و مدل دستوری‌شدگی ابزارهای بیان جهت را بر اساس درجه دستوری‌شدگی این اجزا و با توجه به میزان معناداری، تصریف زدایی یا سایش آوایی ترسیم نمودیم.

تمامی طبیعت‌واژه‌ها از نظر تغییرات معنایی مورد بررسی قرار گرفتند. از آنجا که طبیعت‌واژه‌ها متعلق به مقوله اسم بودند، از این رو بر اساس حفظ یا از دست دادن تمام یا بخشی از چهار ویژگی تصریفی و نحوی مهم مقوله اسم، یعنی شمار، نگرگی، معرفگی یا اشاری‌پذیری و صفت یا اسم‌پذیری که هر یک به لحاظ تصریفی یا نحوی با نشانه‌هایی تصریفی یا نحوی و اشاری‌ها رمزگذاری می‌شوند، تحمل درجه دوم جهت‌شدگی تعیین می‌گردد. از آنجا که ویژگی‌های تصریفی-نحوی اسم چهار مورد هستند، برای تأیید درجه دوم جهت‌شدگی، طبیعت‌واژه می‌بایست حداقل سه ویژگی خود را

جهت معرفی شده‌بودند که به طور مستقیم به جهت در فضا اشاره داشتند، ولی در پژوهش حاضر به منظور گسترش این فرآیند، داده‌هایی را نیز که «به طور استعاری به مفاهیم جهت‌ی»^۱ اشاره داشتند، در مطالعه وارد کردیم. به عنوان نمونه ضرب‌المثل «از فرش به عرش رسیدن» که بر تغییر شرایط «بد» به «خوب» دلالت دارد. استعاره‌های «خوب بالاست»^۲ و «بد پایین است»^۳ (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰)، باعث استفاده از دو واژه «عرش» و «فرش» در مفاهیم مذکور و بیان جهت‌های «بالا» و «پایین» شده‌است.

برای اثبات دستوری‌شدگی این منابع، باید تحول منابع را در سه حوزه مورد واکاوی قرار داد. بدین منظور و برای بررسی میزان تحولات طبیعت‌واژه‌ها از انگاره «ابعاد معین‌شدگی» (داوری و نغزگوی کهن ۱۳۹۶ و ۲۰۱۷) پیروی کرده‌ایم. رویکرد مذکور در تمام رخدادهای دستوری‌شدگی، که از رهگذر آن منابع واژگانی مفاهیم دستوری را رمزگذاری می‌کنند، قابل اعمال است.

در پژوهش حاضر رویکرد مذکور را «ابعاد جهت‌شدگی» می‌نامیم. بر اساس این رویکرد، تمام واحدهای واژگانی که دستوری می‌شوند از سه بُعد نیروی دستوری‌شدگی^۴، منبع دستوری‌شدگی^۵ و درجه دستوری‌شدگی^۶ برخوردارند.

در این انگاره، نیروی جهت‌شدگی مفهوم دستوری جهت‌ی است که طبیعت‌واژه برای نمایش آن متحمل تغییر می‌شود. منبع جهت‌شدگی طبیعت‌واژه است. درجه جهت‌شدگی به میزان تغییرات معنایی، تصریفی-نحوی و آوایی اطلاق می‌شود.

درجه جهت‌شدگی بر اساس ۳ درجه انحراف از وضعیت اولیه تعیین می‌گردد. در درجه اول جهت‌شدگی، طبیعت‌واژه دست‌خوش تغییرات معنایی می‌شود و بر معنای دستوری جدید که جهت‌ی است دلالت می‌کند. در درجه دوم، طبیعت‌واژه تمام یا بخشی از ویژگی‌های تصریفی و نحوی خود را از دست می‌دهد. درجه سوم جهت‌شدگی، آخرین مرحله دستوری‌شدگی است و طبیعت‌واژه دست‌خوش سایش آوایی می‌شود، یعنی بخشی از ساختار واجی خود را از دست می‌دهد.

1. metaphoric orientation or spatial metaphor
2. good is up
3. bad is down
4. grammaticalization force
5. grammaticalization source
6. grammaticalization degree

دسته‌بندی کردیم و متوجه شدیم برخی از آنها به جهت‌های استعاری اشاره دارند. برای مثال، واژه‌ای به سمت بالا اشاره داشت، ولی منظور موقعیت بالا نبود، بلکه «بالای» استعاری یعنی «شرایط خوب» بود. از این رو جهت‌واژه‌ها را به نسبی، اصلی و استعاری تقسیم کردیم و پس از استخراج طبیعت‌واژه‌ها، آنها را بر اساس ابعاد جهت‌شدگی مورد واکاوی قرار دادیم و درجه جهت‌شدگی را تعیین و در جدول مخصوص ثبت کردیم، سپس نتیجه‌گیری کردیم. در ادامه به ارائه و تحلیل داده‌ها می‌پردازیم.

۱- رمزگذاری جهت‌های نسبی در فارسی براساس طبیعت‌واژه‌ها

مفهوم‌سازی با رویکرد جهتی از رهگذر طبیعت‌واژه‌ها در بسیاری از زبان‌ها مستند شده است. در این قسمت برآنیم نشان دهیم فرآیند پیدایش مفاهیم جهتی از این منابع، در فارسی نیز یافت شده و به لحاظ رده‌شناسی، زبان فارسی همانند بسیاری از زبان‌ها از رهگذر طبیعت‌واژه‌ها به مفهوم‌سازی جهتی می‌پردازد. در جدول (۲) طبیعت‌واژه‌هایی فهرست شده‌اند که جهت نسبی «بالا» را رمزگذاری می‌کنند.

رمزگذاری جهت نسبی «بالا»

زبان فارسی برای جهت «بالا» از طبیعت‌واژه‌هایی چون «آسمان»، «خورشید» و جز آن که همگی «بالای سر انسان» قرار دارند استفاده می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که رابطه شناختی مستقیمی میان تجربه انسان از موقعیت «بالا» و گزینش طبیعت‌واژه‌ای که در موقعیت «بالا» قرار دارد وجود دارد. نمونه‌ها با ذکر منبع در جدول (۲) ارائه شده‌اند.

جدول ۲. طبیعت‌واژه‌های جهت «بالا»

منبع	مثال	طبیعت‌واژه
حمزه‌لو (۳۵:۱۳۹۶) حمزه‌لو (۳۵:۱۳۹۶)	علاقه‌اش دود شده رفته هوا. کلاهش را هوا بیندازد.	۱- هوا
موسوی (۶۵۸:۱۳۷۹) غفار زادگان (۲۶:۱۳۹۰)	زر نبارد از آسمان بر سرش ستوان سرش را سمت آسمان گرفت.	۲- آسمان
ناصر خسرو نقل از موسوی (۹۲:۱۳۷۹) naghmemusic.ir	وز ابر مر او را به سوی خاک فرو کاشت چشم‌ها رو به ابرهاست.	۳- ابر
فارسی پنجم (۹۲:۱۳۹۸) صائب نقل از موسوی (۳۱۸:۱۳۷۹)	کوه سر به فلک کشیده ... گر رساند بر فلک باشد همان دیوار کج	۴- فلک
حافظ نقل از موسوی (۳۵۲:۱۳۷۹)	دست ما کوتاه و خرما بر نخیل	۵- نخیل

از دست داده‌باشد. در هنگام جمع‌آوری داده‌ها به موضوع همراهی طبیعت‌واژه‌ها با نشانه‌های تصریفی و نحوی توجه گردید و جستجوی گسترده‌ای در گوگل به انجام رسید.

جستجو به این صورت بود که نشانه‌های شمار، نکرگی، معرفگی یا اشاری‌پذیری و صفت یا اسم‌پذیری به‌طور فرضی به هر جهت‌واژه اضافه شد و ساخت حاصل در گوگل مورد جستجو قرار گرفت. برای مثال، به جهت‌واژه «دره» که به جهت استعاری «پایین» اشاره داشت، صفت «عمیق» افزودیم و گروه اسمی «دره عمیق» را در جمله «ماشین اقتصاد را از ته دره‌ای عمیق بیرون آوردیم» ثبت کردیم. اگر در موردی نتوانستیم نمونه‌ای در گوگل پیدا کنیم به شم زبانی نگارندگان رجوع کرده و در صورت توافق با دستوری بودن و فارسی بودن عبارت، امتیاز ویژگی را ثبت کردیم. در نهایت، در صورت وجود چنین همراهی‌هایی، امتیاز مثبت برای حضور نشانه مذکور و حفظ ویژگی مورد نظر ثبت گردید.

در نهایت طبیعت‌واژه‌ها از لحاظ درجه سوم جهت‌شدگی که آخرین مرحله دستوری‌شدگی است، مورد بررسی قرار گرفتند تا مشخص گردد طبیعت‌واژه دست‌خوش سایش آوایی شده است؛ یعنی بخشی از ساختار واجی خود را از دست داده است یا خیر. در ادامه به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم.

تحلیل داده‌ها

از آنجا که هدف پژوهش کشف طبیعت‌واژه‌هایی است که نقش ارجاعی به نقاط طبیعی ندارند و مفاهیم جهتی را رمزگذاری می‌کنند، با مطالعه بسیاری از متون و نیز تارنماها و جستجو در گوگل، طبیعت‌واژه‌هایی که به نظر می‌رسید به جهت‌واژه تبدیل شده‌اند، استخراج و در جداولی ثبت کردیم. سپس آنها را بر اساس جهتی که رمزگذاری می‌کنند

۶- ثریا	تاثیر می رود دیوار کج	موسوی (۱۳۷۹:۳۱۸)
۷- گردون	اگر سنگی ز گردون اندر آید به گردون می‌رسد فریادش ...	اسعد گرگانی نقل از موسوی (۱۳۷۹:۴۶۷) سنایی نقل از موسوی (۱۳۷۹:۶۲)
۸- آفتاب	پرنده‌ای سمت آفتاب بال می‌زند. مثل درختی که سوی آفتاب قد می‌کشد...	غفارزادگان (۱۰:۱۳۹۰) n-poems.blogsky
۹- کوه	دردها روی شانه هایمان، کوه می‌شود، نان‌ها را روی هم کوه کرده .	zibamatn.ir گفتگوی روزمره

رمز گذاری جهت «پایین»

زبان فارسی از رهگذر برخی طبیعت‌واژه‌ها، جهت «پایین» را رمزگذاری می‌کند. جدول (۳) حاوی نمونه‌های این رمزگذاری است. سه طبیعت‌واژه «سنگ»، «زمین» و «خاک» به لحاظ مکانی پایین پای انسان قرار دارند، برای جهت‌انشاری پایین به کار می‌روند. این موضوع نشان می‌دهد که رابطه شناختی مستقیمی میان تجربه انسان از موقعیت «پایین» و گزینش طبیعت‌واژه‌ای که، موقعیت «پایین» دارد، وجود دارد.

جدول ۳. طبیعت‌واژه‌های جهت «پایین»

طبیعت‌واژه	مثال	منبع
۱- سنگ	گویی کز آسمان بر سنگ افتاده تشتی	ناصر خسرو نقل از موسوی (۱۳۷۹:۲۴۷)
۲- زمین	بندازش زمین	گفتگوی روزمره
۳- خاک	هوا گرفت زمانی ولی به خاک نشست	حافظ نقل از موسوی (۱۳۷۹:۵۲۰)

رمز گذاری جهت نسبی «دور»

مفهوم «دور» یکی از مفاهیم نسبی محسوب می‌شود که بر فاصله زیاد میان دو پدیده دلالت می‌کند. این مفهوم در فارسی از رهگذر طبیعت‌واژه «افق» رمزگذاری می‌شود. افق به حداقل قسمت مرئی و نامرئی آسمان اطلاق می‌شود یا جائی که زمین و آسمان به هم متصل می‌شوند. لذا طبیعت‌واژه‌ای برای مفهوم «دور» به کار گرفته می‌شود که در طبیعت نیز به نقطه‌ای «دور» اشاره می‌کند. پس رابطه شناختی مستقیمی میان مصداق واژه و مفهوم جهتی وجود دارد. جدول (۴) این فرآیند را نشان می‌دهد.

جدول ۴. طبیعت‌واژه جهت نسبی «دور»

طبیعت‌واژه	مثال	منبع
۱- افق	آسمان پر از کلاغ‌هایی بود که سمت افق می‌پریدند. به افق خیره شدم.	غفارزادگان (۸:۱۳۹۰) گفتگوی روزمره

رمز گذاری جهت نسبی «اطراف»

«اطراف» از مفاهیم نسبی محسوب می‌شود که بر موقعیت مکانی پدیده‌ای، پیرامون دیگری دلالت می‌کند. این مفهوم در فارسی از رهگذر باهم‌آیی طبیعت‌واژه‌های «در و دیوار» رمزگذاری می‌شود. اگرچه باهم‌آیی «در و دیوار» محصول دقیق طبیعت نیست، اما می‌توان با تسامح ادعا کرد، همچون «طبیعت»، بخشی از محیط زندگی است که تجارب فراوانی برای بشر رقم می‌زند. اینجا نیز مشاهده می‌شود که طبیعت‌واژه‌ای برای مفهوم «اطراف» به کار گرفته می‌شود که در محیط زندگی بشر به نقاتی در «اطراف» او اشاره می‌کند و رابطه شناختی مستقیمی میان مصداق واژه و مفهوم جهتی وجود دارد. جدول (۵) این فرآیند را نشان می‌دهد.

جدول ۵. رمزگذاری جهت «اطراف»

واژه/پدیده طبیعی	مثال	منبع
۱- در و دیوار	بدبختی از در و دیوار می‌آید. هر چند رسد آیت یاس از در و دیوار	موسوی (۱۳۷۹:۶۵۱) عوفی نقل از موسوی (۱۳۷۹:۲۳۵)

۲- رمزگذاری جهت‌های جغرافیایی در فارسی

براساس طبیعت‌واژه‌ها

پس از معرفی طبیعت‌واژه‌هایی که مفاهیم نسبی را رمزگذاری می‌کردند، به ارائه طبیعت‌واژه‌هایی می‌پردازیم که مفاهیم جغرافیایی را برعهده دارند.

رمز گذاری جهت جغرافیایی «شمال»

یکی از جهت‌های اصلی «شمال» است که براساس داده‌های فارسی، از رهگذر طبیعت‌واژه «ستاره قطبی» مفهوم‌سازی می‌شود. ستاره قطبی، نزدیک امتداد محور زمین بر کره سماوی است و جهت شمال را نشان می‌دهد. در فارسی به

باستان و میانه از رهگذر طبیعت‌واژه‌های «خورآسان» و «اوشستر» یا «اوشتر» *ōšastar* رمزگذاری می‌شده‌است (آموزگار، ۱۳۹۶).

واژه «خورآسان» *xwarâsân* در فارسی میانه برای مشرق به کار می‌رفته‌است (مکنزی، ۳، ۱۳۹۰). این واژه از سه جزء *xwar* به معنای 'خورشید'، *âs* به معنای 'آمدن' و پسوند *ân* با معنای 'مکانی' تشکیل شده‌است، و به معنای 'جایی که خورشید از آنجا می‌آید' ثبت شده‌است. امروز نیز جایی از کشورمان که «زودتر روز می‌شود»، بر همین اساس، «خراسان» نامیده می‌شود.

واژه «اوشتر» در اوستا و پهلوی به معنای جهت شرق استفاده شده‌است (مکنزی، ۱۳۹۰). این واژه ترکیبی از واژه *uša* به معنای 'سپیده‌دم'، *âs* به معنی 'آمدن' و پسوند *tara* به معنای 'ناحیه' است (آموزگار، ۱۳۹۶). بنابراین، زبان فارسی از طبیعت‌واژه‌های «خورشید» و «سپیده‌دم» برای جهت مشرق بهره جسته‌است. جدول (۸) کاربرد واژه‌های «خورآسان» و «اوشستر» را در رمزگذاری «شرق» نشان می‌دهد.

جدول ۸. رمزگذاری جهت جغرافیایی «شرق»

منبع	مثال	طبیعت‌واژه
اسعد گرگانی نقل از موسوی (۱۳۴۹:۱۷۶) بهار (۱۳۶۹)	زبان پهلوی هر کو شناسد خراسان آن بود کزوی خور آید آنجا که خورشید به بلندترین روز برآید تا جایی که به کوتاهترین روز برآید خورآسان است.	۱- خراسان
دوستخواه (۱۳۷۱)	تا که بر زاید سوشیانس از آب کیانسه از نیمه اوشستر (از سوی خاستگاه پگاه، شرق) ^۴	۲- اوشستر

رمزگذاری مفهوم جهت جغرافیایی «غرب»

جهت «غرب» یکی از جهات اصلی است که در دوره میانه با واژه «خوروران» *xwarwarân* یا «خوربران» *xwarbarân* رمزگذاری می‌شده‌است. این واژه از سه قسمت «خور» یا خورشید *xwar*، «بر» یا «ور» *bar, war* به معنای 'بردن' و پسوند «-ان» در معنای مکانی تشکیل شده‌است (آموزگار، ۱۳۹۶). این واژه در فارسی امروز «خاور» است، در رساله شهرستان‌های ایران، هنگام معرفی تیسفون

جای اشاره مستقیم به شمال، از این واژه نیز استفاده می‌کند. اینجا هم طبیعت‌واژه‌ای برای مفهوم جهت «شمال» به کار می‌رود که در محیط به نقطه‌ای در «شمال» اشاره می‌کند، و رابطه شناختی مستقیمی میان مصداق واژه و مفهوم جهتی وجود دارد. جدول (۶) این مفهوم‌سازی را به نمایش می‌گذارد.

جدول ۶. رمزگذاری جهت جغرافیایی «شمال»

منبع	مثال	طبیعت‌واژه
eligasht.com	ستاره قطبی را پیدا کرده‌اید که نشانگر جهت شمال است.	۱- ستاره قطبی

رمزگذاری جهت جغرافیایی «جنوب»

«جنوب» یکی از جهات اصلی است که بر اساس داده‌های فارسی از رهگذر طبیعت‌واژه‌های «قبله» و «نیمروز» رمزگذاری می‌شود. خانه خدا که مسلمانان رو به آن نماز می‌خوانند، در مکه واقع شده و در جنوب غربی کشورمان قرار دارد، از این رو قبله در مفهوم جنوب به کار می‌رفته‌است. واژه «نیمروز» *nēmrož* هم در اوستا، هم پهلوی برای نشان دادن جهت «جنوب» مورد استفاده قرار می‌گرفته‌است (آموزگار، ۱۳۹۶). در این واژه مرکب، جزء «روز» به پدیده‌ای طبیعی یعنی بخشی از شبانه‌روز اشاره دارد؛ لذا ایرانیان کهن از طبیعت‌واژه «روز» در بیان یکی از جهات جغرافیایی استفاده می‌کرده‌اند. جدول (۷) طبیعت‌واژه‌های «جنوب» را به نمایش می‌گذارد.

جدول ۷. رمزگذاری جهت جغرافیایی «جنوب»

منبع	مثال	طبیعت‌واژه
شهری (۲۲:۱۳۵۷)	از شرایط آجیل فروشی این بود که درهایش رو به قبله باشد.	۱- قبله
دوستخواه (۱۳۷۱) بهار (۱۳۶۹)	سوشیانت از دریای کیانسیه از سرزمین‌های نیمروز پا به زندگی گذارد. ^۱ آناهید با سدویس که سپاهید نیمروز است ^۲	۲- نیمروز

رمزگذاری جهت جغرافیایی «شرق»

جهت شرق یکی از جهات اصلی است که در دوره‌های

3. Mackenzie

۴. اوستا، آبان یشت

۱. اوستا، زند و ندیاد، فرگرد ۱۹، بند ۵

۲. فارسی میانه، بندش

پس از ارائه جهت‌های نسبی و اصلی، به طبیعت‌واژه‌هایی می‌پردازیم که «جهت‌های استعاری» را رمزگذاری می‌کنند.

۳- رمزگذاری جهت‌های استعاری بر اساس طبیعت‌واژه‌ها

با توجه به داده‌ها ملاحظه گردید در بعضی مثال‌ها، رمزگذاری مفاهیم جهتی مستقیم، ولی در پاره‌ای موارد استعاری است و مفهوم جهت مفهوم انتزاعی دیگری را بیان می‌کند. مثلاً، بیان مفهوم جهت «بالا» به مکان «بالا» اشاره ندارد، بلکه به «بالای» استعاری یعنی شرایط «مطلوب» اشاره دارد. مطلوب‌ها با جهت بالا و نامطلوب‌ها با جهت پایین مفهوم‌سازی می‌شوند. در تعدادی از داده‌ها، بر اساس ملاحظات اجتماعی و فرهنگی جامعه، مفاهیم جهانی استعاره دست‌خوش تغییرات زیربنایی شده‌اند.

در جدول (۱۰) رمزگذاری مفاهیم استعاری از رهگذر طبیعت‌واژه‌های فارسی همراه با استعاره‌های مربوط به طبیعت‌واژه نمایش داده شده‌اند. استعاره‌های «خوبی بالا است» و «بدی پایین است» استعاره‌های غالب جهتی فارسی هستند. همچنین برخی طبیعت‌واژه‌ها مانند زمین، هوا، قطب و جز آن، هم مفاهیم نسبی و هم استعاری را رمزگذاری می‌کنند.

در غرب به کار رفته‌است (آسانا، ۱۳۹۱). در مقدمه شاهنامه ابومنصوری برآمدن آفتاب باختر و فروشیدن خاور ذکر شده‌است (آموزگار، ۱۳۹۶).

در متون اوستا و پهلوی برای جهت غرب، واژه کهن‌تر دیگری هم مستند شده که «دوشستر» *daōšastara* است. این واژه از سه قسمت دوش *daōš* یا 'شب'، اس *as* به معنای 'آمدن' و تر *tara* به معنای 'ناحیه' تشکیل شده‌است و در مجموع مفهوم مکانی می‌دهد که شب از آنجا می‌آید. در اوستا، زند فرگرد نوزدهم و نندیداد بند ۵ این واژه برای مغرب به کار رفته است (آموزگار، ۱۳۹۶). بنابراین زبان فارسی در دوره‌های باستان و میانه از طبیعت‌واژه‌های «خورشید» و «شب» برای جهت «غرب» بهره می‌جسته‌است. جدول (۹) مفاهیم مذکور را نشان می‌دهد.

جدول ۹. رمزگذاری جهت جغرافیایی «غرب»

منبع	مثال	طبیعت‌واژه
رودکی نقل از آموزگار (۱۳۹۶)	از خراسان بردم طاووس وش سوی خاور می‌شتابد شاد و کش	۱- خوروران (خاور/ خاوران)
آسانا (۱۳۹۱)	به ناحیه خوروران شهرستان تیسفون را از فرمان توس، گرازگ گیوگان ساخت.	
آموزگار (۱۳۹۶)	در زند فرگرد نوزده و نندیداد بند ۵، برای مشخص کردن واژه اوشستر (شرق)، برای مغرب، دوشستر را به کار می‌برد.	۲- دوشستر

جدول ۱۰. رمزگذاری مفاهیم جهتی استعاری

منبع	استعاره جهتی	مثال	جهت استعاری	طبیعت‌واژه
Borna.news مولوی نقل از موسوی (۲۱۲:۱۳۷۹)	خوبی بالاست	خوزستان بر بام کشتی فرنگی پله پله رفت باید سوی بام	بالا	۱- بام
موسوی (۴۳۵:۱۳۷۹) plazamag-ir	خوبی بالاست	در عرش اعلا سیر کردن میلیاردرها از فرش به عرش ...	بالا	۲- عرش
ناصر خسرو نقل از موسوی (۲۶:۱۱۳۷۹) Facebook.com	خوبی بالاست	از این کوی اعبر به خورشید از هر با پای دل به خورشید می‌رسیم	بالا	۳- خورشید
sheren.com	خوبی بالاست	فرا تر از ستاره می‌نشانی	بالا	۴- ستاره
fardanews	خوبی بالاست	قله تکنولوژی آمریکا	بالا	۵- قله
wikitala.info/news	سقف، بالاترین	عبور طلا از سقف قیمت ...	بالا	۶- سقف
گفتگوی روزمره	خوبی بالاست	جایگاه بهشتی در نظرم داری	بالا	۷- بهشت
music-fa.com	خوبی بالاست	... با نگاهت دلمو ببری رو هوا	بالا	۸- هوا
ganjoor.net	خوبی بالاست	آسمان منی، من زمین به حیرانی	بالا	۹- آسمان

منبع	استعاره جهتی	مثال	جهت استعاری	طبیعت‌واژه
	خوبی بالاست	از خوشحالی روی ابرام.	بالا	۱۰- ابر
aftabir.com/news abadis.ir	مهم در مرکز است	قطب صنعت کشور در سال ۹۷ قطب حمل و نقل، مرکز تبادل سفر	مرکز	۱۱- قطب
mehrnews.com	شگفتی در دور است	گردشگری، افق روشن شهر اندیشه	دور	۱۲- افق
موسوی (۱۳:۱۳۷۹)	بدی پایین است	ما در جهنم، یک پله هم پایین‌تر	پایین	۱۳- جهنم
موسوی (۶۵:۱۳۷۹)	بدی پایین است	از چاله در آمدن، توی چاه افتادن.	پایین	۱۴- چاله
مولوی نقل از موسوی (۱۹۲:۱۳۷۹) موسوی (۲۱:۱۳۷۹)	بدی پایین است	...گر بود در قعر چاهی منزل با طناب کسی به چاه افتادن	پایین	۱۵- چاه
ganjoor.net/saeb	بدی پایین است	تا هوش آدم از عرش به فرش افتادم	پایین	۱۶- فرش
mobinsb.com	کف، پایین‌ترین	خرید در کف قیمت	پایین	۱۷- کف
سنایی نقل از موسوی (۱۴۷:۳۷۹) نظامی نقل از موسوی (۲۵۲:۱۳۷۹)	فروتنی پایین است	خاک او باش، پادشاهی کن خاک پای همه شو تا بیایی مقصود	پایین	۱۸- خاک
گفتگوی روزمره	بدی پایین است	به خاک سیاه نشستیم	پایین	۱۹- خاک
shereno.com	فروتنی پایین است	یک عمر زمین بودم تو تاج سرم بودی	پایین	۲۰- زمین
shereno.com	بدی پایین است	درگیر و دار حال زمین گیرم مباش	پایین	۲۱- زمین
آل احمد (۶۲:۱۳۶۰)	بدی پایین است	اینها باید خاکسترنشین باشند ...	پایین	۲۲- خاکستر
ganjoor.net	فروتنی پایین است	به چشم تو در خاک و خاکستریم	پایین	۲۳- خاکستر
Isna.ir	بدی پایین است	ماشین اقتصاد را از ته دره بیرون آوردیم	پایین	۲۴- دره

یا تمام ویژگی‌های تصریفی خود را از دست می‌دهد. برای طبیعت‌واژه‌ها که متعلق به مقوله اسم هستند، چهار ویژگی مهم مقوله اسم یعنی شمار، نکرگی، معرفگی و صفت یا اسم‌پذیری را در نظر گرفتیم. از آنجا که بر اساس هر ویژگی، نشانه‌ای به هسته اسمی می‌پیوندد، نیوستن نشانه‌ها، نشان می‌دهد اسم از مقوله خود فاصله گرفته‌است.

پس از تحلیل مشاهده گردید تمام طبیعت‌واژه‌ها متحمل تغییرات معنایی شده‌اند ولی هیچ‌یک به درجه سوم دستوری‌شدگی یعنی سایش آوایی نرسیده‌اند. در بخش تغییرات تصریفی، چهار ستون، نمایشگر ویژگی‌های تصریفی مقوله اسم یعنی شمار، نکرگی، معرفگی و صفت یا اسم‌پذیری هستند. اگر طبیعت‌واژه هریک از ویژگی‌های اسم را حفظ کرده بود، علامت مثبت و با از دست دادن ویژگی علامت منفی ثبت کردیم. با توجه به ثبت تغییرات، درجه جهت‌شدگی را به دست دادیم.

تعدادی از طبیعت‌واژه‌ها در بافتی خاص به جهت‌واژه تبدیل شده‌اند و شاید به نظر برسد؛ (۱) در هیچ بافت دیگری

۴- تحلیل تحول طبیعت‌واژه‌ها به جهت‌واژه‌ها بر اساس انگاره «ابعاد جهت‌شدگی»

پس از ارائه ۴۶ طبیعت‌واژه که برای انتقال مفاهیم جهتی، دستوری شده‌اند، به ارائه تغییراتی می‌پردازیم که در این مسیر متحمل می‌شوند. برای اثبات جهت‌شدگی طبیعت‌واژه‌ها و این که دیگر بر معانی مصداقی‌شان دلالت ندارند، از انگاره ابعاد جهت‌شدگی بهره جستیم.

این انگاره بر اساس انگاره «ابعاد معین‌شدگی» ترسیم شده و تحولات معنایی، تصریفی و آوایی طبیعت‌واژه‌ها را در راستای بیان مفاهیم جهتی نمایش می‌دهد. این انگاره همراه با ابعاد آن در جدول (۱۱) نشان داده شده و سه بعد آن بدین شرحند: منبع جهت‌شدگی، نیروی جهت‌شدگی و درجه جهت‌شدگی، که میزان معناداری، مقوله‌زدایی و سایش آوایی طبیعت‌واژه را نشان می‌دهد.

در درجه اول، طبیعت‌واژه دست‌خوش تحولات معنایی است و معنای جهتی یافته؛ در درجه دوم، طبیعت‌واژه بخشی

مثلاً شعری که ویژگی‌های اسمی را کسب کرده‌است وارد کنیم تا ببینیم معنای جهتی را القا می‌کند یا نه، و بر این اساس امتیاز دادیم. در خصوص جهت‌های استعاری کافیت تصور کنیم در ترکیبات تصریفی-نحوی حاصل، چه مکانی اعم از بالا یا پایین در ذهن تداعی می‌شود، و بدین صورت، جهت استعاری برای آن ترکیب خلق می‌شود. در جدول (۱۱) تحلیل ۴۶ جهت‌واژه را بر همین اساس به نمایش گذاشته‌ایم.

چنین مفهومی ندارند، و (۲) در این بافت، امکان کسب دیگر ویژگی‌های مقوله‌ای خود را ندارند، چون در بافتی مشخص منجمد شده‌اند. باید اذعان داشت در دستوری‌شدگی، همین‌که واحدی واژگانی حتی در یک بافت، مفهومی دستوری بیان کند و مخاطب آن مفهوم را درک کند، بدین معنا است که دستوری‌شدگی به تحقق پیوسته‌است. در مورد عدم کسب ویژگی‌های مقوله‌ای در بافت مشخص، سعی کردیم واژه‌ای هم‌وزن با جهت‌واژه در بافت

جدول ۱۱. تحلیل جهت‌واژه‌ها بر اساس انگاره «ابعاد جهت‌شدگی»

منبع جهت‌شدگی: طبیعت‌واژه	نیروی جهت‌شدگی: مفاهیم جهتی	درجه جهت‌شدگی	(۱) تغییر معنایی	(۲) تغییر تصریفی - نحوی			(۳) سایش آوایی
				شمار نگرگی	معرفگی	صفت یا اسم - پذیرگی	
۱- هوا	جهت بالا	۲	+	-	-	-	-
۲- آسمان	جهت بالا	۲	+	-	-	+	-
۳- ابر	جهت بالا	۲	+	-	-	+	-
۴- فلک	جهت بالا	۲	+	-	-	-	-
۵- نخیل	جهت بالا	۲	+	-	-	-	-
۶- ثریا	جهت بالا	۲	+	-	-	-	-
۷- گردون	جهت بالا	۲	+	-	-	-	-
۸- آفتاب	جهت بالا	۲	+	-	-	-	-
۹- کوه	جهت بالا	۲	+	-	-	-	-
۱۰- سنگ	جهت پایین	۲	+	-	-	-	-
۱۱- زمین	جهت پایین	۲	+	-	-	-	-
۱۲- خاک	جهت پایین	۲	+	-	-	-	-
۱۳- اقق	جهت دور	۲	+	-	-	+	-
۱۴- در و دیوار	جهت اطراف	۲	+	-	-	-	-
۱۵- ستاره قطبی	جهت شمال	۲	+	-	-	-	-
۱۶- قبله	جهت جنوب	۲	+	-	-	-	-
۱۷- نیمروز	جهت جنوب	۲	+	-	-	-	-
۱۸- اوشستر	جهت شرق	۲	+	-	-	-	-
۱۹- خورآسان	جهت شرق	۲	+	-	-	-	-
۲۰- خورآوران	جهت غرب	۲	+	-	-	-	-
۲۱- دوشستر	جهت غرب	۲	+	-	-	-	-
۲۲- بام	جهت استعاری بالا	۱	+	+	+	+	-
۲۳- هوا	جهت استعاری بالا	۲	+	-	-	-	-
۲۴- آسمان	جهت استعاری بالا	۲	+	-	-	-	-
۲۵- ابر	جهت استعاری بالا	۲	+	-	-	+	-
۲۶- عرش	جهت استعاری بالا	۲	+	-	-	-	-
۲۷- خورشید	جهت استعاری بالا	۲	+	-	-	-	-

منبع جهت‌شدگی: طبیعت‌واژه	نیروی جهت‌شدگی: مفاهیم جهتی	درجه جهت‌شدگی	(۲) تغییر تصریفی - نحوی				(۱) تغییر معنایی	(۳) سایش آوایی
			تغییر تصریفی - نحوی	صفت یا اسم - پذیری	معرفگی	شمار نکرگی		
۲۸- ستاره	جهت استعاری بالا	۱	-	+	+	+	+	
۲۹- قله	جهت استعاری بالا	۱	-	+	+	+	+	
۳۰- سقف	جهت استعاری بالا	۱	-	+	+	-	+	
۳۱- بهشت	جهت استعاری بالا	۱	-	+	+	-	+	
۳۲- جهنم	جهت استعاری پایین	۱	-	+	+	-	+	
۳۳- چاله	جهت استعاری پایین	۱	-	+	+	+	+	
۳۴- چاه	جهت استعاری پایین	۱	-	+	+	+	+	
۳۵- فرش	جهت استعاری پایین	۲	-	-	-	-	+	
۳۶- کف	جهت استعاری پایین	۱	-	+	+	-	+	
۳۷- خاک	جهت استعاری پایین (بدی پایین است)	۱	-	+	+	-	+	
۳۸- خاک	جهت استعاری پایین (فروتنی پایین است)	۱	-	+	+	-	+	
۳۹- زمین	جهت استعاری پایین (بدی پایین است)	۱	-	+	+	-	+	
۴۰- زمین	جهت استعاری پایین (فروتنی پایین است)	۱	-	+	+	-	+	
۴۱- خاکستر	جهت استعاری پایین (بدی پایین است)	۱	-	+	+	-	+	
۴۲- خاکستر	جهت استعاری پایین (فروتنی پایین است)	۱	-	+	+	-	+	
۴۳- دره	جهت استعاری پایین	۱	-	+	+	+	+	
۴۴- افق	جهت استعاری دور	۱	-	+	+	+	+	
۴۵- ساحل	جهت استعاری کنار	۱	-	+	+	+	+	
۴۶- قطب	جهت استعاری مرکز	۱	-	+	+	+	+	

هستند. در پژوهش حاضر به بررسی جهت‌شدگی طبیعت‌واژه‌ها در فارسی بر اساس آرای هاینه پرداختیم. داده‌ها نشان دادند این زبان با استفاده از ۴۶ طبیعت‌واژه جهت را مفهوم‌سازی می‌کند. هاینه به جهت‌های استعاری زبان‌های دنیا اشاره نکرده است، اما در پژوهش حاضر نشان داده شد که علاوه بر ۲۱ طبیعت‌واژه که به مفاهیم مستقیم جهتی اشاره دارند، ۲۵ طبیعت‌واژه نیز جهت‌های استعاری را رمزگذاری می‌کنند، که نشان از زایایی فرآیند جهت‌شدگی در فارسی نسبت به دیگر زبان‌های دنیا دارد.

همچنین، میزان تغییرات معنایی، صرفی-نحوی و آوایی طبیعت‌واژه‌ها بر اساس مدل ابعاد جهت‌شدگی محاسبه

در جدول (۱۱) ویژگی‌های تحول طبیعت‌واژه‌ها را بر اساس ابعاد جهت‌شدگی ترسیم کرده‌ایم. بر اساس جدول، تمامی ۴۶ طبیعت‌واژه تغییر معنایی را تجربه کرده ولی هیچ‌یک تغییر آوایی را متحمل نشده‌اند. برخی طبیعت‌واژه‌ها تمام یا بخشی از ویژگی‌های تصریفی-نحوی خود را حفظ نموده‌اند که نشان از عدم تغییر یا تغییر مختصر تصریفی-نحوی آنها دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

عبارت‌های زبانی مربوط به مفاهیم جهتی سه خاستگاه اصلی دارند که شامل اندام‌واژه‌ها، طبیعت‌واژه‌ها و برخی افعال پویا

«قله»، «چاه»، «چاله»، «دره»، «افق»، «ساحل» و «قطب»، که در متون بسیار متأخر مستند شده‌اند، هنوز به مراحل میانی و نهایی دستوری‌شدگی نرسیده‌اند و ویژگی‌های مقوله‌ای خود را حفظ کرده‌اند. در این میان، جز طبیعت‌واژه «ابر»، که غالباً به صورت توده‌ای در نظر گرفته می‌شود و احتمالاً به همین دلیل نشانه شمار را حفظ کرده‌است، طبیعت‌واژه‌های «سقف»، «کف»، «بهشت»، «جهنم»، «خاک»، «زمین» و «خاکستر» تنها ویژگی شمار را از دست داده‌اند. همچنین مشاهده گردید کلیه طبیعت‌واژه‌ها سایش آوایی را تجربه نمی‌کنند.

کمتر بودن تغییرات صرفی-نحوی طبیعت‌واژه‌هایی که جهت‌های استعاری را رمزگذاری می‌کنند، می‌تواند نشانگر این باشد که این واژه‌ها هنوز کاملاً به مرحله انجام دستوری نرسیده و از هویت مقوله‌ای خود فاصله نگرفته‌اند. این حقیقت شاید به دلیل تأخر این دسته از منابع واژگانی باشد.

گردید. داده‌ها نشان دادند طبیعت‌واژه‌ها دست‌خوش تغییرات معنایی می‌شوند. تمام طبیعت‌واژه‌های رمزگذار مفاهیم جهت‌نمایی و اصلی متحمل تغییرات صرفی-نحوی می‌شوند. جز طبیعت‌واژه‌های «آسمان»، «ابر» و «افق»، تمام طبیعت‌واژه‌هایی که جهت‌های نسبی را بیان می‌کنند، از کلیه ویژگی‌های مقوله‌ای خود تهی گشته و سه طبیعت‌واژه مذکور فقط نشانه شمار را دربرخی نمونه‌ها حفظ کرده‌اند.

در خصوص مفاهیم استعاری دیده‌شد که از ۲۵ طبیعت‌واژه‌ای که جهت‌های استعاری را رمزگذاری می‌کنند، ۱۹ مورد ویژگی‌های مقوله‌ای خود را از دست نمی‌دهند یا وارد درجه دوم جهت‌شدگی نمی‌شوند. همچنین، از میان ۲۵ طبیعت‌واژه‌ای که جهت‌های استعاری را بیان می‌کنند، تنها سه طبیعت‌واژه «عرش»، «فرش» و «خورشید» ویژگی‌های مقوله‌ای خود را کاملاً از دست داده‌اند، که می‌تواند نشان از انجام این واژه‌ها، خصوصاً «عرش» و «فرش» در ساخت ضرب‌المثلی باشد، اما طبیعت‌واژه‌های «ستاره»، «بام»،

منابع

مکنزی، دیوید نیل (۱۳۹۱). فرهنگ کوچک پهلوی. مترجم: مهشید میرفخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

عبدی، ایران و مهرداد نغزگوی کهن (۱۳۹۸). مکان یابی در زبان فارسی. دو فصلنامه علم زبان، دوره ۶ شماره ۹، ۱۱۹-۱۴۸.

آسانا، جاماسب جی دستور و منوچهر جی جاماسب (۱۳۹۱). متن‌های پهلوی. پژوهش سعید عریان. تهران: نشر علمی.

آموزگار، ژاله (۱۳۹۶). از گذشته‌های ایران. تهران: معین. داوری، شادی و مهرداد نغزگوی کهن (۱۳۹۶). افعال معین در زبان فارسی: رویکرد دستوری‌شدگی. تهران: نشر نویسه پارس.

Davari, S., & Naghzguy-Kohan, M. (2017). The grammaticalization of progressive aspect in Persian. In: K. Hengeveld, H. Olbertz, & H. Narrog (Eds.), *The grammaticalization of tense, aspect, modality and evidentiality: A functional perspective*. Berlin/Boston: Walter de Gruyter.

Heine, B. (1997). *Cognitive foundation of grammar*. New York: Oxford University Press.

Heine, B., Claudi, U., & Hunnemeyer, F.

(1991). *Grammaticalization: A conceptual framework*. Chicago: University Of Chicago Press.

Hopper, P., & Traugott, E. (2003). *Grammaticalization*. Cambridge: Cambridge University Press.

Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.

Svorou, S. (1994). *Grammar of space*. (Typological studies in language, 25.) Amsterdam: John Benjamins.

حیدری، امیر (۱۳۹۶). کسب و کار. تاریخ استخراج
برگرفته از: (۱۳۹۸/۱۰/۳).

<https://www.plaza.ir/mag/>

خبرگزاری برنا (۱۳۹۶). اخبار. تاریخ استخراج (۱۳۹۸/۱۰/۳).
برگرفته از: <https://www.borna.news/>

خبرگزاری دانشجو (۱۳۹۶). اخبار. تاریخ استخراج
برگرفته از: (۱۳۹۸/۱۰/۳).

<https://www.isna.ir/news/>

خبرنگار مهر (۱۳۹۸). اخبار. تاریخ استخراج (۱۳۹۸/۱۰/۵).
برگرفته از:

<https://www.mehrnews.com/news>

دوستخواه، جلیل (۱۳۷۱). *اوستا*. تهران: مروارید.
ذوالنوری، مجتبی (۱۳۹۸). اخبار. تاریخ استخراج
برگرفته از: (۱۳۹۸/۱۲/۵).

<https://www.fardanews.c/fa/news/>

شاملو، احمد (۱۳۹۶). *کوچه باغ شعر*. تاریخ استخراج
برگرفته از: (۱۳۹۹/۲/۳).

<https://n-poems.blogspot.com/tag>

شهری، جعفر (۱۳۵۷). *تهران قدیم*. تهران: امیر کبیر.
غفار زادگان، داوود (۱۳۹۰). *فال خون*. انتشارات سوره مهر.
فرخزاد، فروغ (بی‌تا). شعرنو. تاریخ استخراج (۱۳۹۹/۲/۳).
برگرفته از:

<http://shereno.com/2/10/121.html>

مکنزی، دیوید نیل (۱۳۹۱). *فرهنگ کوچک پهلوی*. ترجمه
مهشید میر فخرایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی.

موسوی، کارن (۱۳۹۹). آهنگ. تاریخ استخراج (۱۳۹۹/۲/۳).
برگرفته از: <https://music-fa.com/>

موسوی، منوچهر (۱۳۷۹). *فرهنگ منظوم و منشور ضرب
المثل‌های ایرانی و معادل انگلیسی آنها*. نشر جهان
رایانه.

مولوی (بی‌تا) غزل ۳۰۴۸. تاریخ استخراج (۱۳۹۸/۱۲/۵).
برگرفته از:

<https://ganjoor.net/moulavi/shams/ghazalsh/sh3048>

ناصر خسرو (بی‌تا). *قصیده ۱۶۵*. تاریخ استخراج
برگرفته از: (۱۳۹۸/۱۱/۲۲).

<https://ganjoor.net/naserkhosro/divann/ghaside-naser/sh165/>

هیدن، مهرداد (۱۳۹۸). شعر نو. تاریخ استخراج (۱۳۹۹/۲/۳).
برگرفته از: <http://naghemusic.ir/5039/>

ضمیمه: منابع استخراج داده‌های پژوهش

آبادیس، (بی‌تا). سفر. تاریخ استخراج (۱۳۹۸/۱۲/۵). برگرفته
از: <https://abadis.ir/fatofa/>

آسانا، جاماسب جی دستور و منوچهر جی جاماسب (۱۳۹۱).
متن‌های پهلوی. پژوهش سعید عریان. تهران: نشر
علمی.

آفتاب آنلاین (۱۳۹۸). اخبار. تاریخ استخراج (۱۳۹۸/۱۱/۱۰).
برگرفته از:

<https://www.aftabir.com/news/article/view/2019/>

آل احمد، جلال (۱۳۶۰). *سنگی بر گوری*. تهران: رواق.
آموزگار، ژاله (۱۳۹۶). *از گذشته‌های ایران*. تهران: معین.
اسماعیلی، مهرداد (بی‌تا). شعر نو. تاریخ استخراج
برگرفته از: (۱۳۹۹/۲/۳).

<http://shereno.com/profile.php?id=105>

اقتصاد آنلاین، (۱۳۹۸). اخبار. تاریخ استخراج
برگرفته از: (۱۳۹۸/۱۱/۱۰).

<http://wikitala.info/news>

اکبری، فریدون، پریچهر جبلی، حسین قاسم‌پور و فرح
نجانان (۱۳۹۸). *فارسی پنجم*. تهران: افست.
بهار، مهرداد (۱۳۶۹). *ترجمه بندهش*. تهران: توس.
بهاروند، حامد (بی‌تا). شعرنو. تاریخ استخراج (۱۳۹۹/۲/۳).
برگرفته از: <http://shereno.com/list>
بی‌نا (۱۳۹۹). *گردشگری*. تاریخ استخراج (۱۳۹۹/۲/۲۹).
برگرفته از:

<https://www.eligasht.com/Blog/travelguide/>

بی‌نا، (بی‌تا). متن. تاریخ استخراج (۱۳۹۹/۲/۱۰). برگرفته از:
<https://zibamatn.ir/text/>

تبریزی، صائب (بی‌تا). غزل ۵۶۱۳. تاریخ استخراج
برگرفته از: (۱۳۹۸/۱۲/۵).

<https://ganjoor.net/saeb/divan-saeb/ghazalkasa/sh5613/>

حسن‌زاده، سیمین (۲۰۱۸). شعر. تاریخ استخراج
برگرفته از: (۱۳۹۹/۳/۳).

<https://www.facebook.com/>

حسن‌زاده، فاطمه (۱۳۹۶). *باشگاه اقتصاد*. تاریخ استخراج
برگرفته از: (۱۳۹۹/۲/۳۱).

<http://club.mobinsb.com/Post/Details/5940>

حمزه لو، تکین (۱۳۹۶). *یک روز دل‌گیر/بری*. تهران:
شادان.